



Examining the Scope and Scope of Quranic Studies by Orientalists (Case study of Alford T. Welch)

Fahimeh Jafrasteh ^{a*}, Fatemeh Dastranj ^b

^a PhD student in Quran and Hadith, Arak university, Arak, Iran

^b Associate Prof, Department of Hadith and Quran Science, Faculty of Human science, Arak University, Arak, Iran

KEYWORDS

Gastareh,
Qur'an Studies,
Orientalists,
Alford T. Welch,
Encyclopaedia of
Islam.

ABSTRACT

The speed of information transmission in the present era, on the one hand, and the wide range of studies of Orientalists on the Qur'an, on the other hand, doubles the necessity of explaining their opinions and opinions in detail, so as to provide a basis for criticism and investigation and to eliminate the possible shortcomings of their works. Due to the fact that some modern religious thinkers are influenced by the opinions and thoughts of Orientalists, therefore the scholarly response to these Orientalists is actually a criticism of the method of these Muslim intellectuals. From this point of view, considering the authority of the Encyclopedia of Islam as the most reliable source of Islamic studies in the West and the fact that Alford T. Welch is one of the prominent figures in the writing of this scientific work who has special opinions about the Qur'an, it is necessary to explain his views. Therefore, in this article, we will analyze the angles of Quranic studies of orientalists and their fields of entry in Quranic sciences with an emphasis on Alford T. Welch's Quranic studies. Alford T. Welch, American Orientalist since 1965. He focused his studies especially on the Qur'an and published articles in the "Encyclopedia of Islam" about the Qur'an and the life history of the Prophet of Islam. Some of the points mentioned in his works indicate that he does not know enough about the religion of Islam and the Qur'an. In fact, he has a special presupposition about the Qur'an. He studied the Qur'an as a phenomenon and instead of exploring its authenticity and understanding its enlightenment and benefiting from it; he entered more into the field of Qur'anic sources and dealt with categories such as collecting and compiling the Qur'an and the course of historical developments or examining theological literature. And it has not entered the field of content.

* Corresponding author. Tel.: 09186002640

E-mail address: fahimeh_jafrasteh@yahoo.com

Received: March 30, 2023; Received in revised form: May 15, 2023; Accepted: June 19, 2023

Article type: Research Paper

© Author





بررسی قلمرو و گستره قرآن پژوهی مستشرقان

(مطالعه موردی آلفورد تی ولچ)

فهمیه جفرسته الف*، فاطمه دسترنج ب

الف دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

ب دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
قرآن پژوهی، مستشرقان، آلفورد تی ولچ، دایره المعارف اسلام.	سرعت انتقال اطلاعات در عصر حاضر از یک سو و گستره وسیع مطالعات مستشرقان پیرامون قرآن از سوی دیگر ضرورت تبیین دقیق نظرات و آراء آنان را دوچندان می‌سازد تا از این رهگذر زمینه نقد و بررسی و رفع نواقص احتمالی آثارشان فراهم گردد. با توجه به اینکه برخی از نواندیشان دینی متأثر از آراء و اندیشه‌های مستشرقان هستند، بنابراین پاسخگویی عالمانه به این مستشرقان در حقیقت نقد روش این روشنفکران مسلمان نیز می‌باشد. از این زاویه با عنایت به مرجعیت دایره‌المعارف اسلام به‌عنوان معتبرترین منبع اسلام پژوهی در غرب و اینکه آلفورد تی ولچ یکی از شخصیت‌های بارز در نگارش این اثر علمی است که آرای ویژه‌ای پیرامون قرآن دارد، تبیین دیدگاه‌های وی امری ضروری است. از این رو در مقاله حاضر به تحلیل زوایای قرآن پژوهی مستشرقان و حوزه‌های ورود آنها در علوم قرآنی با تأکید بر مطالعات قرآنی آلفورد تی ولچ، می‌پردازیم. آلفورد تی ولچ، خاورشناس آمریکایی تبار از سال ۱۹۶۵م. مطالعات خود را به‌طور ویژه بر روی قرآن متمرکز نمود و مقاله‌هایی در «دایره‌المعارف اسلام» درباره قرآن و تاریخ زندگانی پیامبر اسلام به چاپ رسانده است. برخی از نکات ذکر شده در آثار وی، حاکی از عدم شناخت و اطلاع کافی، نسبت به دین اسلام و قرآن است در واقع او درباره قرآن، دارای پیش‌فرضی خاص است. وی قرآن را به‌عنوان یک پدیده مورد بررسی قرار داده و به‌جای کاوش در حقانیت و درک نورانیت و بهره‌مندی از آن، بیشتر در حوزه مصادر قرآن ورود کرده و به مقولاتی چون جمع و تدوین قرآن و سیر تحولات تاریخی و یا بررسی ادبیات کلامی پرداخته و وارد حوزه محتوایی نشده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰	

۱- مقدمه

قرآن از همان زمان نزول، مورد توجه اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) نیز قرار گرفته است، یکی از عوامل و زمینه‌های توجه مسیحیان و یهودیان به قرآن از آنجا ناشی شود که قرآن به کتب آسمانی پیشین و تاریخ زندگی اهل کتاب، اشارات متعددی دارد که این امر به‌نوعی عامل پدید آمدن تحقیقات مفصلی در خصوص ماهیت قرآن و رابطه آن با ادیان و کتب مقدس پیشین (تورات و انجیل) شده است، چنانکه بخش وسیعی از مطالعات مستشرقان، به قرآن مربوط است. بنابراین قرآن کریم، به‌عنوان منبع اصلی شریعت اسلامی، مورد توجه و اهتمام خاص خاورشناسان بوده است، در این بین می‌توان به آلفورد تی ولچ (Alfred T Welch)

* نویسنده مسئول؛ تلفن: ۰۹۱۸۶۰۰۲۴۴۰

آدرس پست الکترونیک: fahimeh_jafraسته@yahoo.com

خاورشناس آمریکایی تبار اشاره کرد که در سال ۱۹۷۰م. مدرک دکترای خود را در زمینه ادبیات عرب و مطالعات اسلامی در دانشگاه ادین بورو در اسکاتلند دریافت کرد و از سال ۱۹۷۲م. در دانشگاه ایالت میشیگان به عنوان استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی شروع به تدریس در «دین تطبیقی» کرد و از سال ۱۹۶۵م. مطالعات خود را به طور ویژه بر روی قرآن متمرکز نمود و مقاله‌هایی در «دایرةالمعارف اسلام» و «دایرةالمعارف اسلام معاصر آکسفورد» درباره قرآن و تاریخ زندگانی پیامبر اسلام به چاپ رسانده است. برخی از نکات ذکر شده در آثار وی، حاکی از عدم شناخت و اطلاع کافی، نسبت به دین اسلام و قرآن است در واقع او درباره قرآن، دارای پیش فرضی خاص است. به علت آنکه دیدگاه و نحوه نگرش او نسبت به قرآن، که اساساً غیر اعتقادی بوده است، نظریات او اغلب، سطحی و دور از ژرفنگری لازم است زیرا وی قرآن را به عنوان یک پدیده مورد بررسی قرار داده و به جای کاوش در حقایق و درک نورانیت و بهره‌مندی از آن، تنها به سیر تحولات تاریخی و یا بررسی ادبیات کلامی آن پرداخته است.

با عنایت به مرجعیت دایرةالمعارف اسلام به عنوان معتبرترین منبع اسلام‌پژوهی در غرب و اینکه وی از شخصیت‌های بارز در نگارش این اثر علمی است که آرای ویژه‌ای پیرامون قرآن دارد، تبیین دیدگاه‌ها و گستره قرآن‌پژوهی وی و تبیین حوزه‌های ورود او به پژوهش‌های قرآنی امری ضروری است تا از این طریق بتوانیم تحلیل دقیقی از دستاوردهای مطالعات قرآنی مستشرقان داشته باشیم. این امر کمک می‌کند تا بتوانیم پاسخ منطقی و مستدلی به شبهات وارده از سوی مستشرقان جهت دفاع از وحیانی و الهی بودن قرآن ارائه دهیم.

۲- پیشینه مطالعاتی در حوزه قرآن‌پژوهی مستشرقان

قرآن از همان زمان نزول، علاوه بر جذابیتی که بین اعراب یافت، مورد توجه اهل کتاب عربستان نیز قرار گرفت، چنان‌که بخش وسیعی از مطالعات مستشرقان، به موضوع اهل کتاب در منابع اسلامی مربوط می‌باشد. از این میان به موارد متعددی می‌توان اشاره کرد، از جمله:

- پژوهش «سیمون وایل» درباره تورات در قرآن (چاپ اشتوتگارت، ۱۸۳۵م)؛

- مجموعه مقالات «هیرشفلد» درباره مطالعات یهودی - اسلامی که در مجله «الفصول الیهودیه» در فاصله سال‌های ۱۹۱۰م تا ۱۹۱۱م منتشر شد؛

- «فریلیندر» تحقیق به نام «ترکیب الفصل فی الملل و النحل للشهرستانی» انجام داد که در یادنامه «نولدکه» به چاپ رسید؛

- پژوهش «باومشتارک» درباره مسیحیت و یهودیت در قرآن و اسلام (چاپ ۱۹۲۷م) و پژوهش دیگر او با عنوان «مطالعه مذهب طبیعت واحده نصرانی در قرآن» که در سال ۱۹۵۳م منتشر شد؛

- تحقیقات «دیوید بانت» که در ابتدا به مطالعه زبان آرامی قدیم و زبان‌های کنعانی پرداخت و به پژوهش در زبان عربی و فلسفه اسلامی در آکادمی علم یهودی روی آورد و تحقیقات فراوانی را منتشر کرد که از جمله آنها نقد کتاب «الحجه و الدلیل فی نصره الدین الذلیل» اثر «یهودا هالیفی» و نیز چاپ «تنقیح الابحاث فی الملل الثلاث» ابن کمونه با ترجمه آلمانی بود.

اگرچه به صورت پراکنده برخی منابع مرتبط با مستشرقان شرح حال مختصری از تی‌ولج را بیان کرده‌اند ولی پژوهش مستقلی پیرامون گستره قرآن‌پژوهی وی و حوزه‌های ورود وی به مطالعات قرآنی نگاشته نشده است.

۳- مفهوم شناسی

۳-۱- استشراق

هرچند تعریف استشراق در آغاز بسیار ساده و روشن به نظر می‌رسد، اما تحوّل تدریجی جریان استشراق موجب شده بین عنوان و مصادیق آن اختلافاتی حادث شود.

واژه استشراق مصدر باب استفعال است و معادل واژه (orientalism) به معنای «تحقیق کردن درباره آنچه در شرق است»،

می‌باشد. این واژه ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شده و سپس در سال ۱۸۱۲م. در فرهنگ آکسفورد به معنای «شرق‌شناسی» به کار رفته است (وات، ۱۳۷۳، ص ۱۸۱).

بنابراین هرگونه مطالعه و بررسی دانشمندان مغرب زمین در خصوص میراث فکری مشرق زمین، به‌ویژه هر آنچه با تاریخ، زبان، فنون، علوم، آداب و رسوم آنان مرتبط باشد، استشراق نام دارد. به‌طور کلی بر اعمال مستشرقان در قبال فرهنگ مشرق زمین استشراق اطلاق می‌شود (علی الصغیر، ۱۴۲۰، ص ۱۱). با توجه به این تعریف، مستشرق، فردی است که به مطالعه میراث فرهنگی مشرق زمین پرداخته و آنچه متعلق به تاریخ، زبان‌ها، آداب، فنون، علوم و سنت‌های مردم این نواحی است، در حوزه بررسی‌های او قرار می‌گیرد (حاجی میرزایی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۶).

لازم به ذکر است که در گذشته خط فاصل شرق و غرب، هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر فرهنگی و مذهبی متمایز و کاملاً روشن بود. اما این مرزبندی‌ها اکنون به‌طور کامل درهم‌ریخته است. برخی از غربی‌هایی که به این مطالعات می‌پردازند، مسلمان هستند، برخی از غیرمسلمانانی هم که به این مطالعات روی می‌آورند، غربی نیستند، بلکه از مسیحیان یا دیگر اقلیت‌های کشورهای مسلمان‌اند. همچنان که برخی مسلمانان در خود غرب یا در کشورهای اسلامی به این مطالعات می‌پردازند و امروزه شمار این مسلمانان در کشورها و دانشگاه‌های غربی، به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است (پارسا، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

۴- قرآن پژوهی مستشرقان و حوزه‌های آن

قرآن نزد مسلمانان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. صرف‌نظر از اینکه جوامع و امت‌های مسلمان به چه میزان به مبانی، احکام و دستورات آن پایبندی دارند، به‌هر روی قرآن به‌عنوان یک متن الهی تحریف‌نشده در نظر مسلمانان، مهم‌ترین منبع معرفتی و اعتقادی در زندگی آنان به شمار می‌آید. همین امر پژوهشگرانی که بیرون از این حوزه تمدنی هستند را بر آن داشت تا برای شناخت مسلمانان و جوامع آنان به شناخت قرآن روی بیاورند. این امر همان پدیده استشراق را پدید آورد (بانگیزه‌ها و گرایش‌های مختلف) و گروهی را به‌عنوان مستشرقان به فعالیت و مطالعه در این وادی کشاند. در ادامه حوزه‌های ورود ایشان به پژوهش‌های قرآنی معرفی می‌گردد.

۴-۱- ترجمه و چاپ قرآن

بخشی از فعالیت مستشرقان در ابتدای امر به ترجمه قرآن اختصاص یافت. نخستین ترجمه قرآن در تاریخ به زبان‌های غربی، ترجمه‌ای است که کشیش مسیحی، (peter the venerable)، در سال ۱۱۴۳م. انجام داد. این ترجمه که دچار اشتباهات فاحشی نیز بود بعدها در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی به زبان‌های دیگر اروپایی مانند ایتالیایی، آلمانی و هلندی نیز ترجمه شد (زمانی، ۱۳۹۲، صص ۳۱-۳۲). کار ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر ادامه یافت به‌گونه‌ای که از سال ۱۶۴۹ تا ۱۹۸۰ میلادی بیش از ۲۹۵ ترجمه کامل و ۱۳۱ ترجمه ناقص یا منتخب از قرآن فقط به زبان انگلیسی انجام شد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۹، بینارقی، ۱۳۷۳، ص ۴۹). پرداختن به ترجمه‌ها و آمار آنها در آثار برخی از نویسندگان مسلمان صورت گرفته است. (فوزی، ۱۹۹۸، ص ۲۰۰). در میان مسلمانان و نیز در جهان تا اواخر قرن ۱۵ میلادی تکثیر قرآن از طریق استنساخ صورت می‌گرفت. اما از اواخر قرن ۱۵ میلادی که صنعت چاپ در اروپا رونق گرفت، قرآن نیز از کتبی بود که در دستور کار چاپ قرار گرفت. (زمانی، ۱۳۹۲، صص ۴۶-۴۴) نخستین نسخه چاپ‌شده از قرآن در سال ۱۴۹۹م. در بندقیه و نیز ایتالیا به چاپ رسید که البته از آن چاپ نسخه‌ای باقی نمانده است (الالوسی، ۲۰۰۱، ص ۲۲) باوجود تداوم فعالیت غربیان در چاپ قرآن، مسلمانان با توجه به دور ماندن و دست نیافتن به ملزومات صنعتی حدود سیصد سال پس از اروپاییان مسیحی و یهودی به چاپ قرآن دست زدند (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

۴-۲- معجم‌نگاری لفظی و موضوعی قرآن

در معجم‌های قرآنی به فهرست‌بندی لفظی و یا موضوعی قرآن پرداخته می‌شود. تا از این رهگذر پژوهشگران با آیات مرتبط در یک موضوع و با فهرستی از یک‌لفظ موردنظر آشنا گردند. در معجم لفظی، هدف از تنظیم مطالب، امکان دستیابی به لفظ موردنظر است. در صورتی که در معجم موضوعی به تمام مباحثی که لفظاً هم اشعار به موضوع موردتحقیق نداشته باشد، ولی به

دلالت تضمینی یا التزامی اشاره به موضوع داشته باشد، پرداخته می‌شود (ایازی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴).

مستشرقان و اروپاییان به این بخش نیز ورود کردند و گوستاو فلوگل، مستشرق آلمانی، اولین معجم الفاظ را جهت جست‌وجوی آیات قرآنی نگاشت. این معجم پایه‌ای برای معجم‌نگاری‌های مسلمانان نیز شد (زمانی، ۱۳۹۲، ص ۴۷).

در رابطه با معجم‌نگاری موضوعی آیات قرآن نیز، ژول لابوم، مستشرق فرانسوی، پیش‌تاز این کار گردید. کار او بعدها توسط فؤاد محمدالباقی با الحاق اضافاتی، کامل گردید و با نام تفصیل آیات القرآن‌الکریم به چاپ رسید (لابوم، ۱۳۳۵، ص ۵).

۳-۴- تدوین دایره‌المعارف‌ها

بررسی موضوعات مختلف در حوزه قرآن و اسلام، مستشرقان را بر آن داشت تا مقالاتی پیرامون موضوعات گوناگون تنظیم کرده و با گردآوری این مقالات در قالب دایره‌المعارف، در حوزه‌های متنوعی از علوم قرآنی و مسائل پیرامون اسلام ورود کنند.

از جمله این دایره‌المعارف‌ها، «دایره‌المعارف قرآن لیدن» است. این دایره‌المعارف با همکاری تعداد زیادی از محققان مسیحی و یهودی و نیز برخی از مسلمانان به سرپرستی خانم مک اولیف، آسامان‌یافته است. این پروژه به صورت گسترده صورت گرفته و موضوعات مختلفی را شامل شده است که در مجموع ۵ جلد، حدود ۱۰۰۰ مدخل مشاهده می‌شود. هدف از تألیف این اثر از دید خانم مک اولیف شکل‌گیری اثری مرجع به صورت «بهترین توفیق قرن در باب پژوهش‌های قرآنی» است، به گونه‌ای که گنجینه‌ای از پژوهش‌های گسترده را در اختیار محققان قرار دهد (اسکندرلو، ۱۳۸۲، ص ۲۷۰).

مقالات این دایره‌المعارف از منظری قرآنی و یا مرتبط با قرآن تنظیم می‌شوند. مداخل‌های این اثر موضوعات و حوزه‌های جدید و قدیم پژوهشی را پوشش می‌دهند. برخی از این مدخل‌ها عبارتند از ابراهیم، هارون، علی‌بن‌ابی‌طالب، کحف، ارتداد، تابوت عهد، عرفات، تدفین، بدر، بسمله، نسخ، جمع و تدوین قرآن، جهان‌شناسی قرآن، قرآن و تقویم زمانی، حیات حیوانات در قرآن، قرآن و پژوهش‌های انتقادی معاصر، قرآن و کامپیوتر، تقویم و قرآن، هنر و معماری، کنترل موالید، باستان‌شناسی و قرآن، زبان و خط عربی و

انتشارات لیدن به موازات این دایره‌المعارف، تدوین دایره‌المعارف اسلام را نیز در دستور کار خود قرار داد. البته نوع نگاه در تنظیم مدخل‌ها در دایره‌المعارف اسلام نسبت به دایره‌المعارف قرآن وسیع‌تر و کلی‌تر است.

علاوه بر این دو دایره‌المعارف، آثار دیگری چون دایره‌المعارف دین در ۱۶ جلد، دایره‌المعارف اسلام معاصر آکسفورد در ۲۲ جلد، دایره‌المعارف بریتانیکا در ۲۹ جلد و ... نیز به رشته تحریر درآمده است که البته حوزه مقالات این دایره‌المعارف‌ها صرفاً در مسائل قرآنی محدود نمی‌شود.

۴-۴- دایره‌المعارف اسلام

از آنجاکه پایه مباحث پژوهش حاضر مقاله‌ای است که آلفورد تی‌ولچ در مدخل قرآن دایره‌المعارف اسلام نگاشته است، بهتر است پیش از آن، در چگونگی تدوین این دایره‌المعارف کمی تأمل نماییم.

دایره‌المعارف اسلام یکی از پروژه‌های عظیم اسلام‌پژوهی است که در ۱۶ جلد منتشر شده است و تاکنون بخشی از آن به عربی، فارسی، ترکی و اردو برگردانده شده است. تصمیم نظام‌مند کردن مقالات و پژوهش‌های پیشین در قالب دایره‌المعارف اسلام در نهمین کنگره شرق‌شناسان در سال ۱۸۹۲م. صورت گرفت و توماس پاتریک‌هیوز، پیشگام این جریان بود. مجموعه مقالات این دایره‌المعارف به ترتیب الفبایی، توسط انتشارات بریل در لیدن هلند به سه زبان فرانسوی، آلمانی و انگلیسی به چاپ رسیده است.

این دایره‌المعارف را می‌توان ثمره شرق‌شناسی غربیان در قرن‌های هجدهم و نوزدهم دانست که در زمینه‌های فرهنگی و

اعتقادی می‌تواند منبع قابل‌اعتمادی برای آنان باشد (دانشنامه ایران و اسلام، ۱۳۵۴، ص ۱۰).

درباره علل و انگیزه‌های تدوین این دایره‌المعارف مباحث مختلفی مطرح است. از زاویه نگاه مستشرقانی که در تهیه این اثر نقشی داشته‌اند، این پروژه یک کار عظیم پژوهشی در جهت زمینه‌سازی پژوهش‌های بیشتر و آشنایی با اسلام و مسائل پیرامون به شمار می‌آید. اما برخی از کسانی که از زاویه درون دینی به این تلاش‌ها نگاه می‌کنند، در تحلیل خود نگاه استعمارگرایانه غربیان و مستشرقان را مرکز تحلیل خود قرار می‌دهند. اما به‌هرروی باید گفت که در مواجهه با چنین آثاری نه نگاه خوش‌بینانه سودی می‌بخشد و نه نگاه مطلقاً بدبینانه. بلکه باید با فراست و دانش مکفی به مطالعه این آثار پرداخت.

۵- برخی از مستشرقان شاخص در حوزه پژوهش‌های قرآنی

با توجه به آنچه در بخش دایره‌المعارف‌ها آمد، دریافتیم که حوزه مطالعاتی مستشرقان از قرآن و مسائل پیرامون آن، گستره وسیعی را شامل می‌شود و این امر می‌رساند که تعداد افراد زیادی در این وادی قلم‌به‌دست گرفته و آثاری را به رشته تحریر درآوردند. اما باید دانست که از میان این آثار و اشخاص، برخی برجسته‌تر بوده و پاره‌ای از نظراتی که آنان در خلال پژوهش‌ها و آثارشان به آن اشاره کرده‌اند، نقطه عطفی در این دامنه پژوهشی به شمار می‌آید. از این‌رو با تنی چند از مستشرقانی که در این حوزه، پرکار بوده و صاحب‌نظر هستند، به‌صورت مختصر آشنا می‌شویم.

- گوستاو فلوگل؛ صاحب کتاب «تجوم الفرقان فی اطراف القرآن» که با نام «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن‌الکریم» توسط فؤاد محمد عبدالباقی به عربی ترجمه شد. همچنین او در سال ۱۸۳۴ م. متن قرآن را چاپ کرد که این امر زمینه تحقیقات قرآن پژوهانه در قرن نوزدهم میلادی بود.

- ژول لابوم؛ با تلاش او یک معجم موضوعی از قرآن به زبان فرانسه حاصل شد که با ملحقاتی توسط محمد فؤاد عبدالباقی به این اثر اضافه گردید، با نام «تفصیل آیات القرآن‌الکریم» به عربی ترجمه شد.

- تئودور نولدکه؛ او را بنیان‌گذار دانش «تاریخ قرآن» در بین مستشرقان می‌دانند. کتابی که او با نام (Geschichte des Qurans) به آلمانی نگاشت، مآخذ قرآن‌شناسان غربی از جمله «شوالی» و «برگستر اسر» و ... قرار گرفت. این اثر به زبان‌های دیگر ترجمه نشده است.

- گلدزیهر؛ او را با کتاب «روش‌های اسلامی تفسیر قرآن» و تلاش‌های پس‌از آن بنیان‌گذار رشته علمی «روش‌های تفسیری قرآن» می‌دانند. کتاب مذکور توسط دکتر عبدالرحیم بخار با نام «مذاهب التفسیر الاسلامی» به عربی ترجمه شد.

- ایزوتسو؛ او مستشرق ژاپنی است که اولین ترجمه ژاپنی از قرآن را ارائه داد. کتاب‌های «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی در قرآن» از آثار مهم اوست.

۶- حیات علمی آلفورد تی ولج

آلفورد تی ولج در آمریکا به دنیا آمد و مدرک دکترای خود را در زمینه ادبیات عرب و مطالعات اسلامی، در دانشگاه ادین بورو در اسکاتلند دریافت کرد. از سال ۱۹۷۲ م. در دانشگاه ایالت میشگان شروع به تدریس در رشته دین تطبیقی کرد. او حاصل مطالعات و پژوهش‌های قرآنی و اسلامی خود را در مقاله‌هایی در دایره‌المعارف اسلام و دایره‌المعارف اسلام معاصر آکسفورد به چاپ رسانید. برخی از عناوین پژوهش‌های او عبارتند از:

تاریخ زندگانی پیامبر اسلام؛

ادیان خاورمیانه؛

مقایسه تطبیقی ادیان؛

هرمنوتیک؛

تاریخ ادیان؛

تاریخ پیش از اسلام؛

شعائر اسلامی؛

پدیده‌شناسی دین.

۷- گستره قرآن پژوهی آلفورد تی ولج

در این بخش به مؤلفه‌های قرآن پژوهی و حوزه‌هایی که ولج به آنها ورود کرده است، می‌پردازیم. استخراج این حوزه‌ها بیشتر بر مبنای مقاله‌ای است که در مدخل قرآن دایره‌المعارف اسلام از او به چاپ رسیده است.

۷-۱- وجه تسمیه قرآن و ریشه‌شناسی آن

ولج در ابتدای مقاله‌اش به بررسی واژه قرآن پرداخته و با توجه به نظرات شوالی و دیگران بیان می‌کند که واژه قرآن برای اولین بار در خود کتاب قرآن برای اشاره به معنی لغت سریانی «قریانا» به معنی «خواندن یا درس دادن کتاب مقدس» که در مناجات مسیحی استفاده شده است، آمده است.

ولج تفکر غالب مسلمانان درباره واژه «قرآن» را این‌گونه بیان می‌کند که از نظر آنان لغت «قرآن» فقط اسم تحت‌اللفظی از قرأ به معنی «خواند» یا «تلاوت کرد» است. برای هر دو دیدگاه شواهدی در قرآن موجود است، در جاهایی فعل «قرأ» آمده است اما این فعل به اندازه فعل «تلا» برای اشاره به خواندن یا تلاوت کردن استفاده نشده است. کلمه «قرآن» در دست‌نوشته‌های قدیمی به خط کوفی بدون همزه به کاررفته است که این امر سبب شده است محققانی چون قتاده (م ۱۱۸ هـ.ق) و ابوعبیده (م ۲۰۹ هـ.ق) استنباط کنند که این لغت از «قَرَن» به معنی «در کنار یکدیگر قرارداد» یا «در کنار یکدیگر جمع‌آوری کرد» آمده است.

با توجه به اشاره‌ای که ولج به نظر مسلمانان درباره واژه قرآن می‌کند. نیاز است تا نظرات شاخص پیرامون ریشه لغوی قرآن نزد مسلمانان را از نظر بگذرانیم.

_ قرآن مهموز بر وزن فعلان و مشتق از «قراء» به معنی جمع است؛ زیرا جمع ثمرات کتاب‌های پیشین است (صبحی صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۱).

- ماده قرآن از «قراء» به معنای ظهر، بین، اظهار نمودن و بیان کردن است (زرکشی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۷۳).

- لفظ قرآن از نظر لغوی، مصدر و مرادف با قرائت است (زرقانی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۷؛ صبحی صالح، ۱۳۷۲، ص ۱۹).

در ادامه مبحث، ولج درباره تاریخ به‌کارگیری واژه «قرآن» می‌گوید اکثر مواردی که کلمه «قرآن» در کتاب آسمانی مسلمانان به کاررفته است برمی‌گردد به دوره‌ای حدوداً ده‌ساله، از زمانی که حضرت محمد (ص) «نماز» را عمومی کرد تا حوالی زمان جنگ بدر در سال ۶۲۴ میلادی. تخمین تاریخ دقیق نزول آیات یا تعیین توالی زمانی آنها میسر نیست، اما گسترش کلی استفاده از کلمه «قرآن» در کتاب آسمانی مسلمانان کاملاً روشن است. ولج این گستره معنایی را در چهار حوزه زیر بیان می‌کند:

قرآن به معنای تلاوت کردن؛ که از معانی قدیمی قرآن است (اشاره به آیات ۱۷ و ۱۸ سوره قیامت؛ ۷۸ اسراء).

قرآن به‌عنوان متن خاصی که توسط محمد (ص) تلاوت می‌شود (اشاره به آیات ۱ و ۲ و سوره جن؛ ۱۵ و ۶۱ یونس؛ ۳۱ رعد).

در بسیاری از آیات، که اغلب در سال‌های آخر حضور محمد (ص) در مکه و اوایل حضور ایشان در مدینه، نازل شده‌اند کلمه «قرآن» که عموماً با حرف تعریف مورد استفاده گرفته است، دارای معنی پیچیده‌ای است که شامل اجزای بسیاری است. مانند

وحی (اشاره به آیات ۱-۴ سوره طه؛ ۲۳ سوره انسان) چیزی که از آن خداوند است (اشاره به آیه ۸۲ سوره اسراء) مجموعه‌ای از الهامات و... (اشاره به آیات ۹۲ سوره نمل؛ ۴۵ سوره اسراء و...).

در تعدادی از آیات که به نظر می‌رسد جزء اولین آیه‌های مدنی باشند و تاریخ نزول آنها به قبل از تاریخ آیه ۲۰ سوره مزمل برمی‌گردد، گفته می‌شود که «قرآن»، گاهی اوقات بدون حرف تعریف، معادل عربی «کتاب» (الکتاب) است (اشاره به آیات ۲ و ۳ سوره زخرف؛ ۳ یوسف؛ ۳ فصلت).

در انتها ولج اشاره می‌کند اولین باری که کلمه «قرآن» بامعنی کنونی آن یعنی نام کتاب مقدس مسلمانان مورد استفاده قرار گرفته است در آیه ۳ از سوره آل عمران است، درجایی که همراه بانام کتاب‌های انجیل و تورات و با ساختاری گفته شده است که این سه، کتب مقدس هم‌سطح باهم هستند: «نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ».

درباره هم‌سطحی کتب مقدس از این حیث که همه کلام الهی هستند، تردیدی نیست. اما باید در نظر داشت که متناسب با دین اسلام که دین کامل و تمام است، کتابی نیز که به‌نوعی مانیفست این دین به شمار می‌آید نیز می‌بایست کامل‌تر از کتب پیشین است. بخشی از رسالت این کتاب برطرف ساختن آن اموری است که بنی‌اسرائیل در آن اختلاف کردند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ - وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (سوره نمل، ۷۶ و ۷۷). از سوی دیگر قرآن تصدیق‌کننده کتب پیشین است: «وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ» (آل عمران آیات ۳ و ۵۰؛ انعام آیه ۹۲، مائده آیات ۴۶ و ۴۸ و...).

۲-۷- منبع وحی

ولج دیدگاه متعارف درباره شکل ظاهری قرآن را بیان می‌کند که خداوند همواره گوینده است، محمد (ص) شنونده و جبرئیل عامل واسطه وحی است. اما در ادامه در این دیدگاه مناقشه می‌کند و آیات را از این زاویه نگاه به چند گروه تقسیم می‌کند.

در سوره‌هایی که به نظر می‌رسد جزء بخش‌های قدیمی‌تر قرآن باشند، گوینده و منبع وحی مشخص نشده‌اند.

ایشان در ادامه به بیان حالات مختلف وحی اشاره می‌کند. با در نظر گرفتن برخی از آیات مانند آیه ۵ سوره مزمل خداوند مستقیماً وحی را نازل می‌کرده که این امر در برخی از آیه‌های مربوطه به اواخر دوره مکی و اوایل حضور محمد (ص) در مدینه نیز قابل مشاهده است. اما در برخی از آیات همین دوره کار به دو طریق دیگر صورت می‌گرفته، یکی این‌که این پیام توسط برخی از واسطه‌ها برای محمد (ص) پایین فرستاده می‌شود و در روش دیگر این پیام با «کتاب» مرتبط است. سپس هر دو این برداشتها را به آیه ۵۱ و ۵۲ سوره شوری مستند می‌کند.

در برخی از آیات (تکویر ۱۵ تا ۲۱، انشقاق ۱۶ تا ۱۹، اللیل ۱۴ تا ۲۱ و غیره) به نظر می‌رسد که محمد (ص) گوینده است از آیه ۱۰ (احتمالاً تا ۱۸) سوره النجم، ۲۳ سوره التکویر و آیه‌های دیگر مشخص است که محمد (ص) تصاویری از خداوند را دیده است و حداقل در سال‌های حضور محمد (ص) در مکه، صدایی که محمد (ص) می‌شنید صدای خود خداوند بود و هیچ واسطه‌ای در این میان وجود نداشت. در آیه‌های اولیه، خداوند برای اینکه منبع وحی را مشخص کند آنها را از زبان خود یعنی منبع مستقیم نازل می‌کرد مانند «به‌راستی که ما به‌زودی بر تو گفتاری گران‌بار القا می‌کنیم» (المزمل، ۵) و «ما کاری می‌کنیم [که تو آیات نازل شده را] فراموش نکنی» (الأعلى، ۶) و در برخی از آیه‌های مربوطه به اواخر دوره مکی و اوایل حضور محمد (ص) در مدینه، خداوند است که «آیات»، «قرآن» و «کتاب» را برای محمد (ص) تلاوت می‌کند. (بقره ۲۵۲- آل عمران ۱۰۸- الجاثیه ۶ و غیره). ولج بدون ارائه دلیل ادعایی را درباره دیدن خدا توسط پیامبر در زمان نزول وحی مطرح می‌نماید. در این باره نظر مفسران اسلامی متفاوت است. قدر مشترک این نظرات، رؤیت رب توسط پیامبر در معراج است (سرشار، ۱۳۸۹، ص ۳۷).

اما در برخی از آیه‌های همین دوره خداوند بالاتر از آن قرار می‌گیرد که مستقیماً وحی را نازل کند. این کار به دو طریق انجام شده است: گفته می‌شود که پیام توسط برخی از واسطه‌ها برای محمد (ص) پایین فرستاده می‌شود و در روش دیگر این پیام با «کتاب» مرتبط است. هر دوی این مفاهیم در آیات ۵۱ و ۵۲ سوره شوری، جایی که آشکارا بیان می‌شود که خداوند مستقیماً با محمد (ص) صحبت نمی‌کند، وجود دارد. برخلاف گفته ولج، در آیه ۵۱ سوره شوری مبنای تقسیم وحی رسالی به

سه فقره است که وحی مستقیم یکی از آنهاست و نوع دیگر وحی باواسطه و از ورای حجاب است و سومی نیز وحی از طریق ارسال فرشتگان. این موضوع در تفاسیر گوناگون تصریح شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۷۶؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۵، ص ۵۸؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۵۵؛ ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۶۹؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۴۰۳).

نقش روح را، به‌عنوان عامل وحی، می‌توان در آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ سوره الشعراء و ۱۰۲ سوره نحل بهتر مشاهده کرد. سپس در یکی از اولین آیه‌های مدنی (بقره ۹۷) برای اولین و آخرین بار در قرآن گفته می‌شود که نام این واسطه وحی، جبرائیل می‌باشد. مفسران بر اساس این آیه و تعدادی از احادیث، نتیجه‌گیری کرده‌اند که «روح» اشاره شده در آیه‌های قبل از این هم جبرائیل است و از او به‌عنوان واسطه وحی در اولین روزهای پیامبری محمد (ص) یاد می‌کنند.

برخلاف ادعای ولج آیه ۲ سوره نحل اشعار دارد بر این‌که خداوند فرشتگان خود را که حامل امر الهی هستند، بر آن بنده‌ای که بخواهد نازل می‌کند. همان‌طور که محمد (ص) و ابراهیم گاهی به‌عنوان اول‌شخص (گوینده) در قرآن می‌باشند، فرشتگان هم در تعداد اندکی از آیه‌ها مانند مریم ۶۴ و ۶۵، الصافات ۱۶۱ تا ۱۶۶ در نقش گوینده در قرآن ظاهر می‌شوند، اما نباید ضمیر جمع «ما» را، که در تعداد بی‌شماری از آیات به خداوند اشاره دارد، به فرشتگان هم نسبت دهیم.

در بیان مذکور ولج در پی بیان عدم واسطه‌گری فرشتگان در انتقال وحی است. در حالی در آیه ۵۱ سوره شوری یکی از اقسام انزال وحی، ارسال رسول است و بنابراینچه آمده، رسول همان فرشته است. از سوی دیگر فضای سوره قدر نیز بر نزول ملائکه همراه با روح در شب قدر که شب نزول قرآن است اشاره می‌کند.

ولج در انتها بیان می‌کند درک اینکه محمد (ص) داستان‌ها و اطلاعات دیگری را از پیام‌رسانان مختلف مانند یهودیان و مسیحیان دریافت می‌کند و در لحظات نزول وحی آنها را به شکل قرآنی بیان می‌کند، دور از ذهن نیست. چنین دیدگاهی، اگرچه امروزه درست تلقی می‌شود، با مطالبی که در مجموعه احادیث وجود دارد و منابع دیگر مسلمانان همخوانی ندارد.

در اینجا ولج در پی بیان وجود عامل انسانی در شکل‌گیری قرآن و نیز فرضیه اقتباس قرآن از تورات و انجیل است. در این باره در فصل سوم و بررسی مبانی ولج بیشتر توضیح خواهیم داد. اما در اینجا ذکر اینکه لازم است که مستشرقان عموماً مسلمانان را متهم می‌کنند که صحبت‌هایشان را بر پایه ادله محکم بنا نمی‌کنند. اما باید دانست که خود ایشان نیز در موارد متعددی این‌گونه عمل می‌کنند. برای نمونه ولج بدون ارائه دلیلی بیان می‌کند که پیامبر خواهان اطلاعاتی از کتب مقدس بوده و آنها را جست‌وجو می‌کرده است. در حالی که این امر جز برداشت شخصی و تفسیر به رأی که برآمده از پیش‌فرض‌هایی است، قابل توجیه نمی‌باشد.

از سوی دیگر «کتمان کردن آنچه نازل شده» توسط برخی از یهودیان که در آیاتی مانند ۱۷۴ سوره بقره آمده است، به‌قصد توییح اهل کتاب است. زیرا آنان نشانه‌هایی در کتاب خود داشتند که می‌دانستند، اسلام دین آخر و حضرت محمد (ص) ختم پیامبران است و باید به او ایمان بیاورند، اما از روی عناد آن را از مردم خود پنهان می‌کردند. دلیل دیگر کتمان، بروز ندادن احکامی است که در این کتب آمده و یهودیان حتی مطابق با آن هم عمل نمی‌کردند و برای این‌که مورد سرزنش قرار نگیرند، آن را از دیگران پنهان می‌کردند. آیه ۹۱ سوره انعام پاسخ و تصویر روشنی در این زمینه بیان می‌کند.

۱-۲-۷- رؤس ادعاهای ولج پیرامون منبع وحی

به‌عنوان جمع‌بندی مباحثی که ولج در بخش منبع و مصدر وحی به آن اشاره کرده، می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

مشخص نبودن گوینده و منبع وحی در بخش‌های قدیمی قرآن.

عدم وجود نشانه‌ای برای اثبات الهی بودن پیام.

تنوع و آشفتگی در انزال وحی. (گویند بودن خدا، حضرت محمد (ص) و ...).

تنوع و آشفتگی در کیفیت دریافت وحی توسط حضرت محمد (ص) خدا را دیده، صدای خدا را شنیده و ...).

عدم واسطه‌گری فرشتگان در وحی.

عدم تصریح قرآن به فرشته بودن جبرئیل.

عدم رد کردن اتهامات وارد بر پیامبر درباره اسطوره بودن یا تعلیمی بودن قرآن و ...

امکان وجود عامل انسانی (پیام‌رسان) در شکل‌گیری قرآن.

امکان اقتباس قرآن از تورات و انجیل.

تمام این محورها به یک مسئله ختم می‌شود و آن هم الهی نبودن قرآن است.

۳-۷- جمع و کتابت قرآن

در این زمینه ولج بیان می‌کند در آیه‌های اواخر دوره مکی و اوایل دوره مدنی گفته می‌شود که از محمد (ص) درخواست‌هایی می‌شود که کتابی ارائه دهد تا مردم بتوانند برای خودشان بخوانند (مانند الاسراء ۹۳) و پیروان وی گلابه می‌کنند که چرا آنان مانند یهودیان و مسیحیان کتابی آسمانی ندارند (الانعام ۱۵۵ و ۱۵۶) تشکیل یک جامعه مستقل اسلامی در مدینه، جدا از اهل‌الکتاب، با موجودیت یک کتاب آسمانی متفاوت که به‌عنوان یک معیار (فرقان) جهت تأیید کتاب‌های آسمانی پیشین (آل عمران ۳، النساء ۱۰۵، مائده ۴۸ و غیره) به وجود آمد، موجودیت خود را پیدا کرد.

در آیات مورد ادعای ولج چنین درخواستی با مضمونی که او مطرح می‌کند مشاهده نمی‌شود.

ولج درباره کتابت و جمع قرآن بیان می‌کند که شواهد حاکی از آن است که محمد (ص) در اولین سال‌های حضور در مدینه در برخی از اوقات مشغول تدوین شکل نوشتاری کتاب آسمانی بوده است. اما مسئولیت رهبری جامعه اسلامی که سریعاً در حال رشد بود وی را مجبور کرد که این کار را ناتمام بگذارد. اینکه محمد (ص) در کار تهیه نسخه خطی کتاب آسمانی شرکت می‌کرده و آن را رهبری می‌کرده است به نظر قطعی می‌رسد. احادیثی که در دست هستند، این امر را تا حدودی تأیید می‌کنند، جایی که این احادیث نشان می‌دهند محمد (ص) افرادی را به کار نوشتن و جمع‌آوری قرآن گماشته بود و آنها را راهنمایی می‌کرد که چگونه آیات را کنار هم قرار دهند و گاهی اوقات متن جدیدی را درون متون قدیمی‌تر جای می‌داد. احتمالاً پیامبر شخصاً کار نوشتن و ویرایش را انجام نمی‌داده، به‌ویژه در مدینه که افرادی را برای انجام چنین کارهایی گماشته بود. احتمال اینکه محمد (ص) گاهی اوقات به نوشتن آیات وحی می‌پرداخته وجود ندارد. کار تهیه نسخه نوشتاری کتاب آسمانی شامل برخی بازنویسی‌ها و تغییراتی در آیات قبلی می‌شد.

ولج اعتقاد دارد که جمع کتاب آسمانی تا پس از مرگ حضرت محمد (ص) هم ادامه داشته است. او به گزارش‌های تاریخی اشاره می‌کند که جمع قرآن به پیشنهاد عمر و به دستور خلیفه اول را نشان می‌دهد. اما پس از ذکر آن می‌گوید، این داستان، اگر قابل اثبات باشد، نکات کلیدی بسیاری را چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم درباره تاریخ قرآن در اختیار ما قرار می‌دهد که از اهمیت بالایی برخوردارند؛ اینکه محمد (ص) نسخه نوشتاری کاملی از قرآن را به‌جای نگذاشته بود، اینکه هیچ قسمتی از قرآن جا نیفتاده، اینکه قرآن در ابتدا به‌صورت شفاهی حفظ می‌شده و بخش‌های مکتوب آن روی مواد کم‌دوام نوشته شده بودند، اینکه اولین نسخه چاپی رسمی آن، که اولین مجموعه کامل هم بود، زیر نظر خلیفه اول جمع‌آوری گردید و غیره. سپس اضافه می‌کند که این داستان در سنت مسلمانان به‌عنوان یک واقعه تاریخی و این نکات به‌عنوان حقایق تاریخ قرآن پذیرفته شدند. اما مسائل جدی در مورد این داستان وجود دارد. برخی از این مسائل را این‌چنین بیان می‌کند:

اکثر نکات کلیدی موجود در این داستان با گفته موجود در منابع حدیث و دیگر منابع اولیه مسلمانان مغایرت دارد. برای مثال در گزارش‌های مختلف آغاز کار جمع‌آوری قرآن به هر یک از چهار خلیفه نسبت داده شده است.

در چندین منبع دیگر ذکر شده است که تا قبل از خلافت عثمان هیچ نسخه رسمی نوشتاری از قرآن پدید نیامده است.

اهمیت جنگ یمامه به عنوان رخدادی جهت آغاز جمع‌آوری قرآن را زیر سؤال برده‌اند زیرا شمار اندکی از حافظان قرآن در این جنگ کشته شده‌اند. (شوالی این تعداد را دو نفر ذکر می‌کند.)

در نهایت ولج بیان می‌کند که علل فراوانی جهت ردّ صحت تاریخی این داستان وجود دارد، داستانی که احتمالاً مهم‌ترین

اهدافش عبارت‌اند از کم‌رنگ کردن نقش محمد (ص) در تهیه نسخه نوشتاری قرآن، کاستن نقش عثمان در تهیه متن رسمی اولیه و تلاش برای ارجحیت‌دادن متن عثمانی بر متونی که خلیفه‌های قبل از او تهیه کرده بودند. با القای این عقیده که اولین جمع‌آوری رسمی قرآن در زمان کوتاه خلافت ابوبکر انجام شد و این نسخه به‌عنوان مبنایی برای نسخه عثمانی قرار گرفت، می‌توان به هر سه هدف فوق دست‌یافت.

۴-۷- تاریخ متن قرآن

ولج توسعه شریعت را در سه مرحله اصلی بیان می‌کند که البته بازگویی و تاریخ‌گذاری هر کدام دشوار است.

جمع‌آوری و تنظیم متن از منابع شفاهی و کتبی.

ایجاد مجموعه نهایی از یک متن شامل حروف بی‌صدا.

فرآیند خواندن متن، یعنی شیوه‌های مختلف تلفظ متون نوشتاری.

درباره تاریخ متن قرآن ولج به دیدگاه متعارف اشاره می‌کند که قرآن از ابتدا به‌طور کامل به‌صورت شفاهی حفظ شد و در طول حیات محمد (ص) یا اندکی پس‌از آن برای اولین بار توسط صحابه‌اش جمع‌آوری و سازماندهی شد. از نظر ولج متن کامل بی‌صدا، در زمان خلافت خلیفه سوم (۶۴۴ م.) به‌وجود آمده است و نسخه نهایی صدادار در اوایل قرن ۴ هجری/ ۱۰ میلادی ارائه شده است که اکثر محققان غربی نکات اصلی این دیدگاه سنتی را پذیرفته‌اند. هرچند کار بازسازی تاریخ قرآن از نظر او بسیار پیچیده می‌باشد.

نقایص زبان عربی مورد استفاده در مصاحف اولیه باعث به‌وجود آمدن اختلافات بیشتر، هم در بخش شفاهی و هم کتبی، قرآن شده است. زبان عربی در قرن اول هجری به شیوه‌ای که آن را «نسخه پذیرفته‌شده» می‌خواندند، نوشته می‌شد که در آن فقط حروف صامت نوشته می‌شدند.

از نظر ولج در دوره اموی (۴۱-۱۳۲ هـ.ق / ۶۶۱-۷۵۰ م.) متن عثمانی دچار تغییرات بیشتری شد و قرائت‌های جدیدی با ترکیب اجزای مصحف کتبی و شفاهی عثمانی و مصاحف کتبی و شفاهی صحابه، به‌ویژه ابن مسعود و اُبی به وجود آمد.

سپس اضافه می‌کند که در اوایل دوره عباسیان آشفتگی در بین قرائت‌های مختلف آن چنان زیاد بود که تشخیص مصحف عثمانی از غیر عثمانی غیرممکن بود و نمی‌شد با اطمینان متن عثمانی اصلی را از بین سایر متون جدا کرد.

اصحاب پیامبر (ص) مصاحف را مطابق با قواعد هجاء و اصول رسمی که در زمان آنها متعارف بود نوشته‌اند و در آن زمان هماهنگ کردن قاعده و اطراد آن حتمی و لازم نبود و واقعیت کتابت عربی همین بود و مردم در سال‌های اولیه اسلام در نگارش‌های خود همین قواعد را به کار می‌بردند و سرمشق آنها رسم مصحف عثمانی بود و اکثر صحابه و کسانی از تابعین که با آنها موافق بودند و تابعین تابعین، در تمام نگارش‌های خود، مطابق رسم عثمانی عمل می‌کردند هرچند که آن نوشته، قرآن یا حدیث نباشد و این امر در یک مدت طولانی ادامه داشت (ابن قتیبه، ۱۴۱۷، ص ۲۵۳) تا اینکه دانشمندان دو شهر (کوفه و بصره) ظاهر شدند و برای این فن ضابطه‌ها و رابطه‌هایی تأسیس کردند که مبتنی بر قیاس‌های نحوی و اصول صرفی آنان بود و این به خاطر نیاز مردم به یک نظام در کتابت بود که قواعد آن هماهنگ و یادگیری آن آسان باشد.

ولج بیان می‌کند در اوایل قرن چهارم هجری قمری (دهم میلادی) الفبای پیشرفته عربی به‌طور گسترده، ولی نه به‌صورت جهانی، مورد پذیرش کارشناسان قرآنی قرار گرفت. یکی از نتایج استفاده عمومی از الفبای دقیق‌تر این بود که تفاوت‌های بین متون مشخص‌تر شد و دیگر این که مسئولان می‌توانستند معیار بهتری برای یکپارچه‌سازی داشته باشند و یکپارچه‌سازی را با دقت بیشتری انجام دهند. مهم‌ترین چهره‌ای که در تجدیدنظر و اصلاح قرآن در زمان عثمان نقش اساسی داشت، ابوبکر بن مجاهد (م ۳۲۴ ه.ق) بود. وی به‌طور ماهرانه هفت نفر از معلمان معروف قرآن در قرون ۲ و ۳ هجری را انتخاب کرد و اعلام نمود که نسخه‌های همه آن‌ها دارای مقبولیت الهی است. او این حدیث معروف پیامبر که در آن فرموده بود قرآن در «هفت حروف» بر

وی نازل شده است را مبنای این کار خود قرار داد. از نظر ولج تجزیه و تحلیل درباره تاریخچه متن قرآن هنوز ادامه دارد و این امر را باید با تجزیه و تحلیل صحف صحابه صورت داد. این جنبه مهم از تاریخ قرآن شایسته مطالعه علمی فراگیری ترجیحاً با استفاده از کامپیوتر می باشد.

۵-۷- اختلاف قرائات و مصاحف صحابه

ادامه مبحث ولج در تاریخ متن قرآن به موضوع اختلاف قرائات منتج می شود، که با موضوع پیشین همپوشانی دارد. ولج بیان می کند که نسخه عثمانی فقط یکی از چندین نسخه ای است که در چهار قرن اول هجری به وجود آمدند. عقیده غالب این است که عثمان متن رایج مدنی را جمع آوری کرد و این نسخه احتمالاً نزدیک ترین نسخه به وحی آسمانی است. گفته می شود متون رایج دیگر، که به صحابه مختلف پیامبر نسبت داده می شوند، در کوفه، بصره و سوریه گسترش یافتند.

ولج با بیان گزارش های تاریخی مصداق هایی برای اختلاف مصاحف به ویژه مصحف ابن مسعود و مصحف عثمانی می آورد. سپس بیان می کند که کارشناسان غربی درباره میزان تأثیر این حجم عظیم از اختلافات، که تقریباً به قبل از دوره عثمان برمی گردند، بر آگاهی ما از تاریخ قرآن به اجماع نرسیده اند.

وی اختلاف قرائات را در قرآن شفاهی و کتبی بررسی کرده و بیان می کند که در دوره اموی متن عثمانی دچار تغییرات زیادی شد و قرائت های جدیدی با ترکیب اجزای مصحف کتبی و شفاهی عثمانی و مصاحف کتبی و شفاهی صحابه، به ویژه ابن مسعود و اُبی به وجود آمد.

این اختلافات از نظر ولج در دوره عباسی به اندازه ای است که تشخیص مصحف عثمانی از غیر عثمانی غیرممکن بود و نمی شد با اطمینان متن عثمانی اصلی را از بین سایر متون جدا کرد. این روند در قرن چهارم به تلاش ابن مجاهد در معرفی «قرائات سبعة» می انجامد. تا اینکه در نهایت دو قرائت حفص از عاصم و ورش از نافع را قرائات پذیرش شده زمان کنونی معرفی می کند.

۶-۷- ساختمان (ساختار) قرآن

۱-۶-۷- چینش و نام گذاری سوره ها

ولج ابتدا از سوره و آیه تعریفی ارائه می دهد. قرآن از ۱۱۴ بخش مختلف تشکیل شده است که اندازه و فرم آنها باهم تفاوت زیادی دارد هر کدام از این بخش ها را سوره می نامند. سوره ها به اجزای کوچکتری تقسیم می شوند که هر کدام از آنها را آیه می نامیم، که تعداد این آیات در سوره های مختلف از ۳ تا ۲۷۶ یا ۲۸۷ تفاوت دارد.

درباره چینش سوره ها ولج اعتقاد دارد که اکثر سوره های قرآن از چندین بخش یا قسمت تشکیل شده اند که از نظر منطقی اندک رابطه ای باهم دارند و یا اصلاً رابطه ای با یکدیگر ندارند. به نظر می رسد که برخی از سوره های کوتاه (مانند العصر و الکوثر) بخش های منفرد و مجزایی باشند و احتمال اینکه برخی از سوره های کنونی و یا بخش هایی از آنها، زمانی بخش از سوره های دیگر بوده باشند وجود دارد.

درباره بی ارتباطی فرازهای مختلف سوره ها در قرآن می توان گفت که دریافت اشتباه، کمی اطلاع از اسلوب بیان قرآن در سوره ها، عدم فهم دقیق متن و خطاهایی در زمینه ادب عرب از سوی مفسران و مترجمان، اصلی ترین اسباب عدم درک ارتباط بین فرازهای مختلف، از آیات یک سوره را فراهم می آورد. (سرشار، ۱۳۸۹، ص ۷۶). پرداختن به ارتباط آیه ها با یکدیگر، ارتباط سوره ها و در نهایت انسجام کلی قرآن مباحث علم تناسب، انسجام و پیوستگی و مباحثی از این دست را پدید آورده است. بقاعی در النظم الدرر اعتقاد دارد که اگر مفسرین به تناسب آیات نپرداخته اند به این دلیل است که یافتن این تناسب و محور سوره کار مشکلی است. (نه اینکه ارتباطی وجود ندارد) به هر حال در اعتقاد ما آیات قرآن از سوی حکیم است و عدم ارتباط میان آیات از حکیم به دور است.

ولج بیان می کند که نام گذاری سوره ها بعد از پیامبر (ص) صورت گرفت. از نظر او نسخه استاندارد مصری تأثیر قابل توجهی بر به وجود آمدن نام های همسان و عدم استفاده از نام های جایگزین داشته است.

نام‌گذاری سوره‌ها توقیفی و غیرقابل تغییر نیست. اما این ادعا که نام‌گذاری سوره‌ها بعد از پیامبر (ص) صورت گرفته صحیح به نظر نمی‌رسد. عقل حکم می‌کند که همان زمان هم برای اشاره به سوره‌ای، نام یا عنوانی برای آن استفاده گردد. هرچند آن نامی که امروزه مشهور شده شاید از ابتدا وجود نداشته، اما در گزارش‌های تاریخی آمده که سوره‌ها به نام یک محتوای آشنا از میان همان سوره شناخته می‌شدند. مثلاً می‌گفتند «سوره یذکر فی‌ها البقره و آیه الكرسي» (برقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹، ص ۲۶۲ و ج ۱۱۰، ص ۲۶۳) که بعدها به‌مرور زمان خلاصه‌تر شدند و در حد یک کلمه درآمدند.

۲-۶-۷- آیه و آیات

ولج درباره آیات می‌گوید اندازه و شکل آیه‌ها نیز مانند سوره‌ها تفاوت‌های قابل توجهی باهم دارند. در برخی از سوره‌ها که هم کوتاه هستند و هم جزء اولین سوره‌های نازل شده هستند، آیه‌ها کوتاه و موزون هستند. ترجمه یا تفسیر این آیه‌های کوتاه موزون هم، به دلیل وجود لغات نادر، رمزگذاری، استعاره و دیگر تکنیک‌های شعرگویی، مشکل می‌باشد.

اکثر سوره‌های طولانی‌تر و برخی از سوره‌های کوتاه مدنی (مانند سوره‌های الممتحنه و الطلاق) دارای آیه‌های طولانی‌تر و نثر گونه‌ای هستند که برای وزن‌دهی به آنها، عبارت‌های کوتاهی به آخر آنها اضافه شده است. تنها ویژگی که بین تمام آیات مشترک است این است که همه آنها با وزن یا هم‌صدایی‌های مختلفی پایان می‌یابند.

آیه‌های قرآن به خاطر وزنی که دارند طبیعی‌ترین بخش متن را تشکیل می‌دهند و باین‌حال ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که آیه اصولاً در کجا پایان می‌یابد. در دست‌نوشته‌های قدیمی تقسیم‌بندی آیه‌ها وجود نداشت و در زمانی که آیه‌ها علامت‌گذاری شدند تا حدودی در اندازه آنها تغییر ایجاد شد، که این تغییرات احتمالاً نشان‌دهنده تفاوت‌های موجود در نسخه شفاهی اولیه‌ای است که آن‌هم برمی‌گردد به اصلاحاتی که در متن در زمان حیات محمد (ص) ایجاد شد. اما مهم‌ترین علت تقسیم‌بندی‌های مختلف آیات این است که قافیه یا هم‌صدایی معمولاً با استفاده از اشکال و یا پسوندهای گرامری خاصی به وجود می‌آیند که در زبان عربی بسیار یافت می‌شوند و بنابراین درون بسیاری از آیه‌های بزرگ وجود دارند.

آنچه از گزارش‌های تاریخی به دست می‌آید این است که در عصر پیامبر (ص)، ابتدا و انتهای آیات مشخص بوده است. این فاصله‌ها از سبک قرائت پیامبر (ص) مشخص است. همچنین باید اذعان کرد که اختلاف در شمارش آیات وجود دارد، ولی این اختلاف‌ها اصل مکتوب قرآن را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. (سرشار، ۱۳۸۹، صص ۸۳-۸۵) در ضمن باید دانست که پذیرش این امر، قبول تحریف به جابه‌جایی آیه را ممکن می‌سازد. اساساً کوتاهی و بلندی آیات امری توقیفی بوده نه اجتهادی و پیامبر اکرم (ص) آن را برحسب مقتضای حال مخاطبان از سوی خداوند بیان فرموده است و در آنها شیوه‌ها و اسلوب‌های کلام عرب در هر دو محیط مکه و مدینه رعایت شده است (زرقانی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۰۹).

ولج در بیان ساختار قرآن به مباحثی چون حروف مقطعه و ترتیب زمانی سوره‌های قرآن نیز ورود کرده است که در این مقاله مجال پرداختن به تمامی آنها نیست.

۷-۷-۷- زبان قرآن

ولج بیان می‌کند اکثر دانشمندان مسلمان قرون وسطایی معتقد بودند که قرآن به زبان گفتاری پیامبر (ص) یعنی همان گویش قرآنی است، که آن نیز زبان شعر "عربی کلاسیک" روز حضرت محمد (ص) است. سپس این برداشت خود را به آیات قرآن (اشاره به آیه ۱۰۳ سوره نحل، آیه ۱۹۵ شعراء و آیه ۴۴ فصلت) حول ترکیب «لسان عربی مبین» آمده‌اند، مستند می‌کند. ولج با اشاره به نظرات سایر مستشرقان بیان می‌کند که زبان قرآن زبان گفتاری هیچ قبیله‌ای نبود، اما مجازاً یک‌زبان متعارف بود که دست‌کم در سراسر حجاز فهمیده می‌شد.

بخش پایانی مدخل قرآن، به بررسی ساختار قرآن از لحاظ سبک‌های ادبی و غیره اختصاص دارد. در این بخش ولج با بررسی قافیه‌ها در پایان آیات در سوره‌های مختلف، در پی دستیابی به الگویی برای نظم‌دهی به حضور قافیه در قرآن است. در بخش دیگر نیز با مطرح کردن فرم‌هایی که آنها را فرم‌های شماتیک می‌نامد (فرم شماتیک یعنی تکرار آیات خاص یا شکل‌هایی از یک

روایت منظم که در روایت دیگر یافت می‌شوند) این الگوها را در داستان‌های متعدد آمده در سوره قرآن دنبال می‌کند.

مبحث دیگری که ولج به آن می‌پردازد، فرم‌های ادبی در قرآن است. این بخش را به حوزه‌های سوگندهای قرآن و اشکال آن، علائم ورودی، نقل قول‌ها، روایات، مقررات و غیره تقسیم کرده و پیرامون هر یک توضیح مختصری را با ارائه مصادیق آن بیان می‌کند که با عنایت به هدف این پژوهش که بیان حوزه‌های ورود ولج به مطالعات قرآنی بوده و به جهت رعایت اختصار تنها به ذکر آنها بسنده شده است.

در انتها می‌توان گفت با وجود شباهت‌های بسیاری که در فرآیند قرآن پژوهی عالمان مسلمان و محققان غربی به چشم می‌خورد اما یک تفاوت مبنایی، رهیافت غربی را از رهیافت اسلامی متمایز می‌کند، اینکه محققان مسلمان اهتمام جدی به «وحيانیت قرآن» دارند و مستشرقان که از جمله آنها آلفورد تی ولج می‌باشد، رویکردی متفاوت داشته و به دنبال شناخت تاریخ اسلام به مثابه پدیده‌ای فرهنگی بوده‌اند و یکی از نقاط عطف این پدیده فرهنگی قرآن کریم است.

۸- نتایج

گستره قرآن پژوهی آلفورد تی ولج شامل: ریشه‌شناسی قرآن، بررسی اشتقاق و کاربردهای قرآنی واژه «قرآن»، حضرت محمد (ص) و وحی قرآن، تاریخ قرآن پس از سال ۶۳۲ میلادی که مواردی چون: «جمع‌آوری» قرآن و قرائت‌های مختلف و نسخه‌های خطی صحابه تثبیت متن و قرائت رسمی قرآن را شامل می‌شود، ساختار سوره‌ها و اسامی آنها، آیه‌ها، زبان و سبک نوشتاری زبان قرآن، شکل ادبی و نقش قرآن در زندگی و تفکر مسلمانان است.

۲- شیوه پژوهش آلفورد ولج، نقادی و «نقد منبع» است که اساساً مسأله‌ای غربی است و هدف از آن تعیین اصالت و اعتبار مدارک تاریخی یا همان قرآن است که خاستگاه آن را صرفاً باید در اندیشه تاریخ بنیاد غربی جستجو کرد.

۳- تاریخ‌گذاری قرآن از جمله مباحث مهم در مطالعات قرآنی مستشرقان است آنان معتقدند زمانی می‌توان در مورد متنی سخن گفت که تاریخ‌گذاری شده باشد. آنان برای قرآن اعتبار زیادی قائل نیستند و محتوای آن برایشان چندان مهم نیست، تنها اهتمام آنها بعد تاریخی قرآن است. از این رو مستشرقان قرآن را عنوان پارامتری برای تحلیل تاریخی اسلام تلقی می‌کنند.

۴- منابع مورد استفاده ولج در پژوهش‌های قرآنی‌اش، کتاب‌های مهم اهل سنت است. دقت در منابع پژوهشی او این حقیقت را آشکار می‌سازد که هرچند وی از منابع مسلمانان بهره برده اما به بهره‌گیری از منابع و آراء مستشرقان اهتمام بیشتری داشته و به منابع شیعی جز موردی مختصر مراجعه‌ای نداشته است.

۹- منابع

قرآن کریم

ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۲۷۶ق). *ادب الکاتب*، محقق دالی محمد، جلد سوم، بیروت: مؤسسه الرساله.

اسکندرلو، محمد جواد. (۱۳۸۵). *مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن: پژوهشی در تاریخ‌گذاری قرآن از منظر خاورشناسان*، چاپ اول، قم، مؤسسه پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

اسکندرلو، محمد جواد. (۱۳۸۴). «نقدی بر تاریخ‌گذاری قرآن از دیدگاه برخی از خاورشناسان»، *مشکوه*، بهار، دوره ۲۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۸۶، صص ۳۳-۴۹.

اسکندرلو، محمد جواد. (۱۳۸۲). «معرفی و نقد دایره المعارف قرآن»، *قبسات*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پاییز، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۲۶۷-۲۸۵.

الاولوسی، عادل. (۲۰۰۱م). *التراث العربی و المستشرقون*، قاهره، دار الفکر العربی.

ایازی، محمد علی. (۱۳۸۷). *کاوشی در تاریخ جمع قرآن*، رشت، انتشارت مبین.

ایازی، محمد علی. (۱۳۷۳). «نگاهی به معجم‌های موضوعی قرآن کریم»، *بیتات*، بهار، شماره ۱، صص ۱۱۲-۱۲۲.

- برقی، ابو جعفر (احمد بن محمد بن خالد). (۱۳۷۱ق). *المحاسن*، محقق: جلال الدین محدث، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۶). *قرآن ناطق*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بینارقی، عصمت. (۱۳۷۳). *کتاب‌شناسی جهانی ترجمه‌ها و تفسیرهای چاپی قرآن مجید به ۶۵ زبان از ۱۵۱۵ تا ۱۹۸۰*، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پارسا، فروغ. (۱۳۸۸). *حدیث در نگاه خاورشناسان*، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء.
- ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق). *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حاجی میرزایی، فرزاد. (۱۳۷۷). *معرفی دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات دوستان و انتشارات ناهید.
- زرقانی، محمد عبد العظیم. (۱۳۶۲ه ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، چاپ سوم، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- زرکشی، ابو عبدالله بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر. (۱۳۷۶ه ق). *البرهان فی علوم القرآن*، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة.
- زمانی، محمد حسن. (۱۳۹۲). *مستشرقان و قرآن: نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن*، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- سرشار، مژگان. (۱۳۸۹). *بررسی و نقد مداخل قرآن، حدیث، رجال و تفسیر*، چاپ اول، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی و معاونت فرهنگی.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۶-۱۹۹۶م). *الاتقان فی علوم القرآن*، به تحقیق سعید المندوب، جلد اول، لبنان، دار الفکر.
- صالح، صبحی. (۱۳۷۲). *مباحث فی علوم القرآن*، چاپ پنجم، قم، الشریف الرضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*، تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان عن تأویل آی القرآن*، چاپ اول، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *التبیان فی التفسیر القرآن*، به تصحیح احمد حبیب عاملی، چاپ اول، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- علی الصغیر، محمد حسین. (۱۴۲۰ق)، *المستشرقون و الدراسات القرانیة*، بیروت، دار المورخ العربی.
- فوزی، فاروق عمر. (۱۹۹۸م). *الاستشراق و التاریخ الاسلامی*، اردن: الاهیه للنشر.
- قرطبی، ابو عبدالله. (۱۴۰۵ق). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- لابوم، ژول. (۱۳۳۵). *تفصیل الایات القرآن الکریم*، تعریب محمد فؤاد عبدالباقی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامع لدرر اخبار الائمة الطهاره*، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۸۲). *تاریخ القرآن*، تعریب جورج تامر، بیروت، الجمیل.
- وات، مونتگمری. (۱۳۷۳). *برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان: تفاهمات و سوء تفاهمات*، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- یار شاطر، احسان. (۱۳۵۴). *دانشنامه ایران و اسلام*، تهران: نشر کتاب.